چند کلمه راجع به رفاقت‌های گوناگون بین آدم‌ها و حتی بین اشیا

به ترکیب برنده دست نزن

رفاقت برای هرکسی یک جوری معنا می‌شود. بعضی رفاقت‌ها دم دستی‌اند و با شعار تا پول داری رفیقتم، قربون بند کیفتم، بنا شده‌اند اما بیشتر ترکیب‌های دونفره آدم‌ها عمیق و ریشه‌دارند. به‌خصوص اگر قدیمی باشند. ترکیب آدم‌ها گاهی خنثی است. رفقایی که کنار همند و حال‌شان با هم خوب است ولی این همراهی و رفاقت‌شان اثر خیلی بزرگی در جهان نمی‌گذارد، اما یک‌سری ترکیبات رادیکال و پرجنب‌وجوشی هم وجود دارد که یک چیزی را در دنیا تکان می‌دهد. آدم‌هایی که رفاقت و علاقه‌شان به یکدیگر، بقیه را مبهوت می‌کند و اتفاق‌های خوب و بزرگ رقم می‌زند. اینجا از رفاقت‌های رادیکال و اثرگذار نوشته‌ایم، از ترکیب‌های برنده.

هم مسیر

آدم‌هایی که مقصدشان یکی است، بیشترمی‌توانندهمقدم‌یکدیگرباشند. سروشکل رفاقت‌شان هم با بقیه فرق دارد. انگار به نقطه‌ای از دنیای همدیگر دست پیدا کرده‌اند که بقیه نمی‌توانند آن را ببینند. خیلی مهم است در هر برهه‌ای از زندگی‌مان کسی باشد که کنار ما به سمت یک رویای مشترک بدود که وقتی در چاله چوله‌ها می‌افتیم، دستی باشد که دست‌مان را بگیرد یا وقتی زخم برداشته‌ایم، شانه‌ای باشد که بارمان را با او نصف و کمی خستگی در کنیم. پیامبر عزیزمان هم گفته‌اند: «الرفیق، ثُم‌الطریق» یعنی اول رفیقت را پیدا کن، بعد بزن به دل جاده.

بعضی‌ها برای هدف‌های مشترک‌شان با هم رفیق می‌شوند، بعضی‌های دیگر را هم رفاقت به هدف‌های مشترک می‌رساند، مثل حمیدجبلی‌وایرج‌طهماسب که رفاقت و هم‌مسیری‌شان برای ما یک دنیا خاطره خوش به جا گذاشته. کلاه قرمزی، این شاهکار عروسکی نتیجه این رفاقت است.



هم گِل

خانم لوسی ماد مونتگمری وقتی داشت کتاب آن شرلی را می‌نوشت، پیش خودش گفت آنه یک رفیق می‌خواهد، یک آدمی که پایه همه بالاپایین‌ها و روزهای خوب و بد دخترکی با موهای قرمز باشد و بعد دیانا را خلق کرد. یا مثلا مؤلف باب اسفنجی، پاتریک را نوشت که رفیق خوب باب باشد که هروقت باب اسفنجی از پاتریک پرسید: وقتی من نیستم چی‌کار می‌کنی؟ او جواب بدهد: منتظرت می‌مونم تا برگردی.

آنه و دیانا یا باب اسفنجی و پاتریک، شخصیت‌هایی که خودشان و رفاقت‌شان محبوب جهان است برای یکدیگر ساخته شده‌اند، برای یک دنیای فانتزی مشترک. داشتن دنیای فانتزی مشترک هم از آن چیزهایی است که رفاقت را ماندگار می‌کند.



ترکیب مکمل

مثل رنگ‌های خیس خورده روی کاغذ دفتر که درهم تنیده شده‌اند، رفاقت این‌کار را با بعضی دو نفره‌ها می‌کند.

بعضی آدم‌ها برای هم مثل پیچ و مهره یا قفل و کلیدند، همه چیزشان به هم گره خورده. همدیگر را تکمیل می‌کنند و اگر یک کدام‌شان نباشند، آن دیگری خودش را گم می‌کند یا کارکرد اصلی‌اش را از دست می‌دهد.

مثلا لورل و هاردی وقتی کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، حتی فرم بدن و چاق و لاغر بودنشان هم معنای طنز پیدا می‌کند یا محمد بحرانی و جناب‌خان محبوب خودمان که رفیق‌های رگ و ریشه‌ای همدیگرند، بدون هم معنایی ندارند. گُل کار محمد بحرانی، جناب خان است و جناب خان بدون محمد بحرانی عروسکی است بی‌روح و بی‌جان و بی‌صدا. قاشق و چنگال هم همین‌طورند. چنگال برنج را روی قاشق هدایت می‌کند و قاشق با چنگال تکمیل می‌شود. مکمل بودن گاهی خدایی است. مثلا خدا خواسته تا سدیم کشنده با کلرید خطرناک، نمک خوراکی را بسازند اما بعضی مکمل‌ها انسانی‌اند، مخترع ترکیب قند و چای لابد خیلی به خودش احسنت گفته است.



ترکیب پرنده



مثلا نان سنگک داغ و پنیر و گردو یا اجزای محترم تشکیل دهنده آبدوغ خیار، تک تک و جدا از هم یک چیزند و وقتی با هم ترکیب‌شان می‌کنی به یک چیزِ دیگر و خوب‌تری تبدیل می‌شوند. انگار که استعدادهای نهفته‌شان با کنار هم بودن شکوفا بشود. ماهم پیش بعضی آدم‌ها، بهتر کار می‌کنیم، اخلاق خوب‌تری داریم و کمتر وقت تلف می‌کنیم. حالا تصور کنید با آدمی طرح رفاقت بریزید که کنارش از همه دنیا جلو می‌زنید، حتی از خودتان. مثلا اورویل و ویلبر رایت دو برادر بودند که رابطه خونی‌شان آنها را کنار هم قرار داد و گذر زمان به رفیق‌های خوبی تبدیل‌شان کرد. برادران رایت رویای بلندپروازی‌شان را تبدیل به کاری بزرگ و مفید کردند و ترکیب‌شان با هم، انسان را به پرواز، پنج شش قدم نزدیک‌تر کرد.



اسما آزادیان

قلمرو

ویژگی‌های سانسورشده یک رفیق خوب



ریحانه رضایی
اصفهان

رفیق خوب رفیقیه که پایه تموم دیوونه بازیا باشه!

نه این‌که بگم شر باشه‌ها، نه؛ یعنی وقتی تو لاک خودت رفتی و غرق فکری بیاد پشت سرت پخ کنه. رشته افکارتو گوله کامو اکنه پرت کنه از مغزت بیرون و بگه: «کپک نزدی این همه خیره‌شدی به یه جا و پلک زدی؟!»

رفیق خوب یه رفیق متفاوته که منبع عکسای سم باشه. رفیقی که تبریک روز دخترو به دوستاش با هدیه دادن عکسای سم‌شون تبریک بگه.

رفیق خوب کسیه که برای این‌که ناراحتیتو از بین ببره، اکیپی جمع می‌کنه و می‌بره دم نرده‌های پله طبقه سوم مدرسه و با بطری آب، رو سر خرخونای کلاس آب بریزه از ارتفاع تا تو غش غش بخندی. رفیقای خوب رفیقایی هستن که تموم چالش‌های اینستا و تیک‌تاکو بیارن تا اجراشون کنین و ادیتای خفن بزنین و پخش‌شون کنین.

رفیق خوب کسی نیست که بهت بگه بشین درس بخون تا مثل من ۲۰ بگیری. رفیقیه که اگه نیاز به وحی یا الهامات الهی داشتی سر جلسه امتحان، از طرق مختلف برات ارسال وحی کنه. رفیق خوب یعنی نیاز زندگی. یعنی تجربه کردن چیزای محال یا خنده‌دار. رفاقت فقط به بودن نیست. به میم مالکیت دادن به کلمه فلانی رفیقمه نیست. رفاقت یعنی چه با میم مالکیت چه با اسم کوچیک، همه بدونن ما وقتی یه جایی بریم، اونجا به بمب انرژی تبدیل میشه. آره درسته، همیشه این‌طوری نیست و یه دعوای کوچیک بعضی وقتا چقدر ناراحت‌کننده میشه، ولی به یاد روزای قشنگ آینده آشتی می‌کنید. اگه حالش بده زنگ بهش بزن، اگه قهری آشتی کن، اگه خستس روحشو تازه‌کن. بزار یه رفیق خوب بمونی براش.